

الدوردی بیگ سپهسالار ایران

قصر زیبای سلطنتی قزوین در پرتو نور مشعلهای بیشمار جلوه خاصی داشت . درختان سرو با چشمک مشعلها برنگ سبز تیره و سیاه خودنمایی میکردند طالار های قصر غرق در نور بود و طالار بزرگی که محل حضور امراء و اعیان بود بوسیله پرده ای از اطاقی که شاه عباس در آن می نشست جدا میشد .

شاه عباس که تازه از فتح خراسان مراجعت کرده بود با وجود خوشحالی اهالی پایتخت غمگین بنظر میرسید زیرا فرهاد خان یکی از سرداران بزرگ بوی در جنگ با ازبکان شاه را تنها گذارده بود گرچه بواسطه این قصور یقتل رسید ولی باز خاطر شاه مکدر بود و فقط مسائل مربوط بسرحداث ایران تا اندازه ای شاه را از خیال سابق باز میداشت . هنگامیکه ساکنین قصر بخواب رفته بودند تنها کسی که خواب را برای آسایش افراد ملت برخود حرام کرده بود شاه بود که بمطالعه پیشینه های که از طرف برادران شری برای جنگ با عثمانی داده شده بود پرداخته و غیر از چندتن خدمه خاص وعده ای پاسدار که برای خاطر شاه و ادای وظیفه بیدار بودند کسی در قصر وجود نداشت همین که شب به نیمه نزدیک شد الهوردی بیگ سپهسالار از طرف پادشاه احضار شد و بی درنگ شاطر باشی بایست نفر مشعلدار بطرف عمارت سپهسالار روی آوردند و پس از رسیدن با کمال تعجب مشاهده کردند که او هنوز لباس از تن بیرون نکرده ، کمر بسته وموزه برپای در جلو خان عمارت متفکرانه راه میرود لذا پس از استحضار از او امر ماو کانه چون هیچ مانع یا سببی که موجب تأخیر شود وجود نداشت بمعیت شاطر باشی بامشعلهای پرنور عازم درگاه کیوان پایگاه گردید و پس از ورود یکسر بطرف طالار بزرگ روانه

و بانجا داخل شد. فوراً پرده داران پرده را بالا زدند و شاه که بر روی مخدّم نشسته و تسکینه برچند متکا کرده بود نمایان شد الهوردی بيگ با کمال احترام در طالار بزرگ ايستاده بود و بیانات شاهانه را گوش میکرد.

شاه فرمود امروز دو نفر بنام آنتونی شرلی و ربرت شرلی با ۲۶ نفر از همراهان که از علوم و صنایع بهره کافی دارند و مخصوصاً آنتونی که توپریزی میدانند برای خدمت در سپاه ایران، زمین خدمت بوسیده اند و نیز آنتونی بعرض اعلی رسانیده است که شغل وی سپاهیگری بوده و چون آوازه مازا شنیده بر آن شده است که بخدمت در ارتش ما در آید و بنا بر اطلاعی که بما رسیده است این دو برادر با ۲۶ نفر کارشناس بکمک شخصی که باپای نزاع داشته عازم بودند ولی قبل از رسیدن بمحل مقصود آن شخص باپای مصالحه کرد و برای آنکه در مقابل تجارت روس و روم و ایران از راه خشکی و هلند و پرتقال از راه دریا انگلیسیان نیز زمینه ای برای خود تهیه کنند بصوب ایران حرکت کرده اند چون کشور برای ترقی و تعالی بوجود اشخاص کاردان و صنعتگر احتیاج دارد باید از موقع منتهی درجه استفاده را برد چون کاردانی و لیاقت تسودر رزمهائی که برای نجات مین انجام گرفته همیشه مسرت خاطر ما را فراهم ساخته است لذا این مهم را بر عهده سپه سالار میدانیم و عیناً پیشنهادهای این دورا برای بررسی بیشتری بتومیسپاریم تا نتیجه آنرا با اطلاع مارتسانی در این موقع یکی از ندما که در حضور شاه بود پیشنهادهای برادران شرلی را بطالار بزرگ آورد و بدست الهوردیخان سپرد و مجدداً بدرون اطاق رفت. پرده دار میخواست برده را بیفکند که باز اعلیحضرت بسخن ادامه داد و مقرر داشت در مقابل پیش کشیهای برادران شرلی (۱) که عبارت از شش جفت آویز زهره - ده جفت آویز زبرجد - یک نمسکدان و یک جام که در قطعات طلا باطرز زیبایی نشانده شده بود و یک ابریق بلور که قاب آن نقره و بشکل ازدها بوده مبلغ هزار تومان نقد - چهل رأس اسب با ۳۸ زین و برك نقره با گلابتون و دو دستگام زین و برك طلا مرصع بفیروزه و یاقوت و ۱۶ قاطر و ۱۲ شتر که بر آنها خیمه و اسباب و اثاثیه بار باشد به برادران شرلی اعطاء گردد.

(۱) کلیه اعداد و صورت بیشکشی ها و اتمام شاه عباس از کتاب سرجان ملکم استخراج شده.

پس از ختم بیان پرده افتاد واله وردی بیک مرخص شد و بیست شاطر سپه سالار راتا عمارتش مشایعت کردند و بمحض ورود او بخانه تمام رؤسا و فرماندهان بوسیله پیغام در عمارت سپهسالار حضور پیدا کردند اما پیشنهاد های برادران شرلی بعنوان اینکه اینان مسیحی اند مواجه با مخالفت سخت گردید سپهسالار که پیشنهاد هارا برای ایران نیکو میدانست بسختی در مقابل مخالفین دفاع میکرد و چون نتیجه حاصل نشد فردای آن شب بحضور شاه باریافت و آنچه گذشته بود با اطلاع رسانید.

یکی از پیشنهاد های برادران شرلی ایجاد ارتشی بهسبک اروپائیان بوده و پشتیبانی سپهسالار از این پیشنهاد موجب مسرت خاطر ملوکانه گردید و با اختیارات تام علی رغم رؤسای ایل مأمور شد ارتش ایران را سر و صورتی دهد.

چون سپهسالار از همکاری با رؤسای ایل مایوس شد تصمیم گرفت جلسه ای از فرماندهانیکه در تمام جنگها بر ضد یاغیان با وی همراه بودند و بتمام روحیات آنان آشنائی داشت تشکیل دهد و چون همه آنان حاضر شدند سپه سالار پس از دلجوئی از هر یک چنین آغاز سخن کرد :

برادران ، امروز که در اینجا گرد آمده ایم برای اجرای امر فوق العاده مهمی است که مربوط بارتش ایران میباشد . همه اطلاع دارید که سپاه ایران عبارت از عده ای بنام قزلباش است که تحت امر رؤسای ایل بسر میبرند و جز آنان کسی رانمی شناسند این موضوع در جنگهای منظم امروزه تولید اشکال فراوان مینماید و حتی همانطوریکه دیدید این سپاه اغلب باشماره رئیس ایل مانند دشمن بادولت میجنگند و تراضیت خاطر رئیس ایل فراهم نشود جنگ ادامه مییابد لذا باید از کار شتاسان خارجی استفاده کرد و ارتش واحدی که از شاه حقوق بگیرد تشکیل داد و چون این موضوع مسلماً بقدرت رؤسای ایل لطمه میزند باید در مقابل طوفان مخالفتی که از این راه حادث میشود ایستادگی کنیم و بر رؤسای ایل برادرانه بفهمانیم که سرباز مخارجی دارد که هملت باید متحمل آن شود و اعاشه آن از طریق غارت کار صحیحی نیست باید سرباز بداند که برای عظمت و جلال میهن جنگ میکند ، برای حفظ شرافت و ناموس اسلحه بدست میگیرد نه برای غارت زیرا اگر

موضوع کسب منفعتی باشد ممکن است از طرف دشمن تطمیع شوند و دیگر جنگ را لازم ندانند و در نتیجه میهن عزیز دچار تلاطم و انقلاب شود لذا از همین لحظه وظیفه ما معلوم است ما باید برای عظمت و سربلندی کشور از خود بگذریم و خود را فدای آسایش برادران و وطن عزیز کنیم تا فارع البال و مرفه الحال به تکثیر ثروت بپردازند و مملکت رو به آبادی گذارد. ما باید ارتشی ایجاد کنیم که قدرت مقابله با ارتش خارجی را داشته باشد ارتش ما باید با ارتش عثمانی که تمام سلاطین اروپا را بوخت انداخته است مقابله کند لذا در همین جا وظیفه هر یک را تعیین میکنیم که هم از اکنون بکار پردازند.

دیری نگذشت که بر اثر فداکاری و لیاقت سپه سالار ارتشی بسیار آزموده که آنرا (قوللر) و افسران آن را (قوللر آغاسی) مینامیدند تشکیل شد و در رژه ای که در حضور پادشاه صورت گرفت حتی موجب اعجاب مریدان و معلمین خارجی آنها گردید. از آن تاریخ ایران دارای ارتش منظمی مرکب از ۱۲۰ هزار تفنگچی (۱) (پیماده) ۲۰۰ هزار سوار و قورچی (توپخانه) بعلاوه ۶۰ هزار قزلباش گردید. (۲) زحمت اله وردی بیک در راه ایجاد ارتش ایران مورد تصدیق دوست و دشمن قرار گرفت و از آن روز خراجها بقدرت و استعداد ایرانیان بی بردند و در جنگهایی که پس از ایجاد ارتش جدید روی داد سرباز ایرانی ارزش خود را بدنی ثابت کرد اله وردی بیک علاوه بر روح سلحشوری دارای ذوق ادبی و جمال شناسی کاملی بوده و این معنی از پستی که برزایاننده بود احداث کرد و با سم پل الهوردیخان معروف است بخوبی استنباط میشود

(۱) اعداد از کتاب تاریخ فرهودی استخراج شده.

(۲) از سفرنامه اوژن فلاندنی که زمان محمد شاه با ایران آمده است استخراج شده.